



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol.4, No.1, Autumn 2025



What is Avicenna's legal theory? Analyzing Avicenna's legal views from treatise of Siyasat al-Ahliyyah

Qasem Ali Kochnani¹, Mohammad Mehdi Davar^{*2}, Reihaneh Sadeghi³

¹ -Associate Professor of Philosophy and Islamic Theology, University of Tehran, Iran

² -Master of Philosophy student at Memorial University of Newfoundland, St. John's, Newfoundland and Labrador, Canada.

³ -PhD student of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	<i>The treatise of Al-Tadabir al-Manazil or Siyasat al-Ahliyyah, which is also known as the book of politics, is the center of Avicenna's household management in the Avicennian system of thought. In this treatise. Moreover, it is worth noting that Avicenna has discussed topics related to household management, among which are legal topics, which can be called "Avicenna's legal theory". Discussion of natural rights; 2. Discussion of women's rights; 3. Discussion of children's rights; 4. Discussing the rights of employees is the same thing that implies legal issues and forms the Avicennian philosophy of law. Examining these foundations can answer the question "Is legal theory found in Avicenna's intellectual system?" The explanation and then the analysis of Avicenna's point of view is what formed this study to answer this question and finally to deduce the legal theory of Sinawi or the legal philosophy of Avicenna from the heart of this explanation and analysis.</i>
Received: 09/11/2024	
Accepted: 11/01/2025	
	Keywords Avicenna, Al-Tadabir al-Manazil or Siyasat al-Ahliyyah, Household Management (Domestic Science), Natural rights, Avicenna's Legal Theory

***Corresponding Author: Mohammad Mehdi Davar**

Address: Master of Philosophy student at Memorial University of Newfoundland, St. John's, Newfoundland and Labrador, Canada.

E-mail: mmdavar@mun.ca



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



نظریه حقوقی ابن سینا چیست؟ واکاوی نظرات حقوقی بوعلی سینا برآمده از رساله

تدابیر المنازل أو سیاسات الأهلیه^۱

قاسمعلی کوچنانی^۱، محمدمهدی داور*^۲، ریحانه صادقی^۳

۱- دانشیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه دانشگاه مموریال نیوفاندلند، سنت جونز، نیوفاندلند و لابرادور، کانادا

۳- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	رساله تدابیر المنازل أو سیاسات الأهلیه که آن را به عنوان کتاب السیاسة نیز می-خوانند، منزلگاه حکمت منزلی ابن سینا در نظام فکری سینیوی است. ابن سینا
مقاله پژوهشی	مباحث مربوط به تدبیر منزل را در این رساله بیان کرده است که از جمله آن-ها
دریافت:	مباحث حقوقی می-باشد که می-توان آن را «نظریه حقوقی ابن سینا» خواند. ۱.
۱۴۰۳/۰۸/۱۹	بحث از حقوق طبیعی؛ ۲. بحث از حقوق زنان؛ ۳. بحث از حقوق کودکان؛ ۴.
پذیرش:	بحث از حقوق کارکنان همان چیزی است که دلالت بر مسائل حقوقی می-کند و
۱۴۰۳/۱۰/۲۲	فلسفه حقوق سینیوی را تشکیل می-دهد. بررسی این مبانی می-تواند پرسش «آیا
	نظریه حقوقی در نظام فکری ابن سینا یافت می-گردد؟» را پاسخ دهد. تبیین و
	سپس بررسی نظرات بوعلی سینا همان چیزی است که گفتار حاضر را تشکیل داده
	است تا به این پرسش پاسخ دهیم و در نهایت نیز نظریه حقوقی سینیوی یا همان
	فلسفه حقوق ابن سینا را از دل این تبیین و بررسی استنباط کنیم.
	کلیدواژه: ابن سینا، رساله تدابیر المنازل أو سیاسات الأهلیه، تدبیر منزل، حقوق
	طبیعی، نظریه حقوقی ابن سینا

*-نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: mmdavar@mun.ca

^۱- این مقاله پیشکشی است بر روان مرحوم استاد محمدحسین حشمت پور

۱- مقدمه

بگذارید این جستار را با این پرسش آغاز کنیم؟ آیا بوعلی سینا درباره حقوقی نظریه‌پردازی کرده است؟ یا به عبارت دیگر، آیا آراء حقوقی از نظام فکری سینوی قابل برداشت است؟ برای این پرسش باید به رساله *تدابیر المنازل* / *اوسیاسات* / *الأهلیه* بوعلی مراجعه کنیم و آن را بررسی کنیم. پیش از بررسی مفاد این رساله و بررسی پرسش جستار پیش رو باید به انتشار این رساله اشاره کنیم. طبق گزارش نورانی‌نژاد (۱۳۹۳) درباره انتشار این رساله، باید بگوییم که این رساله برای نخستین بار توسط لويس معلوف در شماره ۹ مجله الرشد در سال ۱۹۰۶ میلادی در بیروت منتشر شده است و همچنین پس از آن در کتاب *مقالات فلسفیه قديمه لبعض مشاهیر فلاسفه العرب* در سال ۱۹۱۱ در بیروت منتشر شده است. بار سوم نیز در *مجموع فی السیاسه* توسط فؤاد عبدالمنعم در اسکندریه منتشر گشته است (نورانی‌نژاد، ۱۳۹۳، ص ۷). قابل ذکر است که این رساله با عنوان *تدابیر المنازل* / *اوسیاسات* / *الأهلیه* توسط جعفر نقدی (۱۹۲۹ م) در مجله الرشد در بغداد منتشر شده است. همچنین نسخه دیگری با عنوان کتاب *السیاسه* توسط انتشارات دارالعرب منتشر شده است (رک: ابن سینا، ۱۹۸۵ م). از این رساله یک ترجمه فارسی نیز توسط نجمی زنجانی (۱۳۱۹) با عنوان *ابن سینا و تدبیر منزل* منتشر شده است.

حال که دانستیم، این رساله چندین بار منتشر شده است، ولی باید ادعا کنیم که این نوشتار ابن سینا جزء آثار مغفول وی می‌باشد. چنانکه برخی قائل به این هستند که ابن سینا درباره حکمت عملی اثری مستقل تألیف نکرده است (داوری اردکانی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). با این حال باید اذعان داشت که بوعلی دارای اثری مستقل در حکمت عملی می‌باشد. با اینکه در جهان اسلام، بحث از حکمت عملی بیشتر معطوف به اخلاق و حکمت مدنی بوده است و حکما درباره تدبیر منزل تنها به ذکر اشاره اکتفا می‌کردند (نک: ابن مسکویه، بی‌تا: ص ۱۴۶؛ فارابی، بی‌تا: صص ۹ و ۲۹)، ابن سینا با تصنیف رساله‌ای مستقل در این فن، نظرات خود را ارائه داده است. قابل ذکر است که ابن سینا در این رساله، از واژه سیاست منزلیه یا همان سیاست أهلیه استفاده کرده و مراد وی از واژه «سیاست» به معنای «حکمت» و «تدبیر» می‌باشد (پورجوادی، دانشنامه جهان اسلام، مدخل تدبیر منزل). اگر به آراء فارابی نیز بنگریم، خواهیم دریافت که سیاست در آثار فارابی نیز با حکمت یکی گرفته شده و یا دست کم، سیاست جزء حکمت است و جزء خواص کل را دارا است. به عنوان مثال، ابونصر فارابی در *کتاب الملّه*، شغل رئیس مدینه فاضله را یک مهنت ملکی، و وی را از لحاظ تدبیر، مانند اله دانسته است (فارابی، ۱۹۹۱ م، صص ۶۴-۶۶). این مطلب که فارابی و ابن سینا، سیاست را به معنای حکمت گرفته‌اند و حتی فارابی در مواضع خود، همانطور که اشاره کردیم، شغل رئیس مدینه فاضله را که همان سیاست می‌باشد را مانند اله دانسته، ناظر به تعریف حکمت می‌باشد. در تعریف حکمت، فارابی در *المنطقیات*

(بی‌تا، ص ۷)، و ابن سینا در مبدأ و معاد (۱۳۶۳، ص ۹۸) و الهیات دانشنامه علائی (بی‌تا، ص ۲)، چنین اذعان داشته‌اند که حکمت تشبه به اله به قدر وسع بشری است.

باری، بر اساس آنچه که گفته شد می‌توان گفت که ابن سینا، نخستین فیلسوف در جهان اسلام است که درباره حکمت منزلیه به صورت جامع بحث کرده است. مباحث متعددی در این رساله مانند بحث از رفتار فرد با نفس خود، انواع مشاغل، آداب برخورد با همسر، آداب برخورد با فرزند، آموزش فرزند، آداب برخورد با کارکنان عنوان شده است. به همین علت است که می‌توان مدعی شد، حکمت منزلیه در نزد ابن سینا، چیزی فراتر از مباحث مربوط به صرف خانواده است، بلکه مباحث اقتصادی را نیز در بر می‌گیرد. البته باید خاطر نشان کرد که آن‌گونه که از نظرات ابن سینا در این رساله پیداست، اقتصاد مقدم بر تشکیل خانواده است (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، صص ۱۰ و ۴۲).

باز می‌گردیم به پرسش جستار پیش و رو و پرسش ما این بود که آیا مباحث حقوقی در نظام فکری ابن سینا یافت می‌گردد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که مفاهیمی ذیل بحث از آداب برخورد با همسر، برخورد با فرزند، و برخورد با کارکنان به چشم می‌خورد که دلالت بر مباحث حقوقی دارد. آن مفاهیم نیز چنین است: حقوق طبیعی؛ حقوق زنان؛ حقوق کودکان؛ حقوق. همچنین بحث از حقوق زنان و حقوق کودکان را می‌توان ذیل عنوان حقوق خانواده جای داد. بنابراین، مقاله حاضر در صدد بررسی مباحث ابن سینا در مسائل نامبرده با هدف استخراج نظرات حقوقی ابن سینا با روش توصیفی-تحلیلی از این رساله می‌باشد. مراد از توصیف، همان تبیین دقیق واژگان بوعلی، و مراد از تحلیل، بررسی این واژگان و کشف هندسه حقوقی وی می‌باشد که می‌توان آن را «فلسفه حقوق سینیوی» خواند.

۲- پیشینه پژوهش

با بررسی اسناد علمی در پایگاه‌های علمی، دریافتیم که هیچ تحقیق مستقلی درباره اندیشه‌های حقوقی ابن سینا ناظر به رساله تدابیر المنازل أو سیاسات الأهلیه انجام نشده است. البته درباره حقوق طبیعی در اندیشه فلسفی ابن سینا توسط نجفی و کشفی (۲۰۲۳) پژوهشی صورت گرفته است و درباره تأثیرگذاری مبانی فلسفی ابن سینا بر نظریه حقوق طبیعی توماس آکویناس (۱۳۹۴) نیز مقاله‌ای تألیف شده است. با این حال، در این دو پژوهش، مبانی ابن سینا به لحاظ حکمت عملی، بالأخص حکمت منزلیه بررسی نشده است. درباره تدبیر منزل از نظر ابن سینا با اینکه چندین پژوهش انجام شده است، ولی در بیشتر آن‌ها به بحث از خانواده در حکمت منزلیه بوعلی پرداخته شده است. برای مثال، کرمانی و سلگی (۱۳۹۲)، سلطانی کوهانستانی (۱۳۹۴) و بوذری نژاد و اقبالی (۱۳۹۸) در این رابطه بحث کرده‌اند. همچنین نورانی نژاد (۱۳۹۳) نیز درباره فن تدبیر منزل ابن سینا پژوهشی کرده است.

۳- حقوق طبیعی

حقوق طبیعی نخستین مبنایی است که از رساله تدبیر المنازل / او سیاسات الأهلیه به چشم می‌خورد. همچنین می‌توان حقوق طبیعی را مبنای نظریه حقوق سینیوی و حتی جزء مبنای حکمت منزلیه و حکمت عملی او دانست. علاوه بر اینکه، بحث از حقوق طبیعی به لحاظ ترتیب یکی از نخستین مباحث بوعلی در این رساله می‌باشد (نک: ابن سینا، ۱۹۲۹ م، صص ۶-۷)، به لحاظ اشرفیت نیز مقدم است. زیرا، مبنای حقوقی دیگر در سایه یک نظر اشرف و یک مبنا کلی است که به منصفه ظهور می‌رسد. به عبارت دیگر، مباحث مربوط به حقوق زنان، حقوق کودکان و همچنین حقوق کارکنان که توسط ابن سینا در این رساله بیان می‌شود، در سایه اعتقاد وی بر حقوق طبیعی می‌باشد.

بوعلی از آن جهت که واجب‌الوجود را موجودی حکیم دانسته است، چنین اذعان کرده است که اختلاف میان استعدادها، درجه استفاده از عقل و همچنین تفاوت در اموال و املاک ناشی از حکمت و حسن تدبیر واجب تعالی می‌باشد (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، ص ۷). در همین موضع، اختلاف میان مراتب افراد در اندیشه بوعلی سینا یافت می‌شود که البته وی این اختلاف را از حسن تدبیر خداوند دانسته و هر چیزی که از حسن تدبیر خداوند باشد، جزء قانون طبیعی محسوب می‌گردد.

آنچه که ابن سینا بدان تصریح دارد این است که اختلاف میان اموال و املاک افراد یکی از عوامل تمایز و ایجاد مراتب در نظام اجتماعی است و عامل دیگر این اختلاف نیز استعدادهای طبیعی و بهره‌گیری افراد از عقل خود می‌باشد. در این موضع، «مالکیت» نیز به عنوان یک حق طبیعی محسوب می‌شود که از اندیشه ابن سینا بر می‌آید. قابل ذکر است که مالکیت یکی از ارکان اصلی نظریه حقوق طبیعی جان لاک نیز می‌باشد (Locke, 1823). باید خاطر نشان کرد که تصریح و تأکید ابن سینا بر اختلاف میان انسان‌ها و همچنین وجود مراتب مختلف منافی مساوات مردم در حقوق طبیعی نیست. زیرا در فطرت، همه با یکدیگر برابر هستند. به عبارت دیگر، همگان در داشتن عقل و فطرت انسانی با یکدیگر مساوی هستند. ابن سینا خواهش‌های طبیعی انسان را بر همه یکسان می‌داند و اذعان دارد که همانطور که کارفرما دارای خواهش‌های طبیعی است، کارکنان او نیز دارای همین خواهش هستند و به همین علت، او نباید سخت‌گیری بیش از حد بر آن‌ها داشته باشد (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، ص ۴۵). همچنین وی افراد را در اینکه نیاز به خوراک، مسکن و همسر دارند مساوی می‌داند و این خود دال بر فطرت طبیعی دارد (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، ص ۹). رنه دکارت نیز افراد را در داشتن عقل یکسان می‌داند و تفاوت افراد در عقل به دلیل وجود آن نیست، بلکه معلول نحوه و شدت استفاده و به‌کارگیری از آن است (دکارت، ۱۳۸۵، ص ۶۹). همچنین، «مساوات» به عنوان مبنای حقوق طبیعی لاک مطرح است (Locke, 1823)، همانطور که در حقوق طبیعی ابن سینا نیز این مبنا دیده می‌شود. در نتیجه نمی‌توان گفت که تصریح ابن سینا بر اختلاف میان مراتب افراد از نظر به‌کارگیری از عقل، استعداد، اموال و املاک با برابری در تضاد است، زیرا در بحث از مساوات و برابری، ملاک فطرت طبیعی انسان است. علاوه بر این، مساوات در فطرت خود حکم بر وجود تفاوت دارد. بدین صورت که افراد در وضع نخستین دارای برابری هستند و پس از مدتی آغاز به استفاده از استعداد خود می‌کنند و این استفاده منجر به

ایجاد تفاوت میان آن‌ها و ایجاد مراتب مختلف می‌شود. در جهان هستی نیز این مراتب وجود دارد. در بالاترین مرتبه هستی، مرتبه ذات واجب‌الوجود است و در مرتبه بعدی، عقول و موجودات مجرد محض قرار گرفته‌اند و این مرتبه تا عالم عنصری ادامه دارد. به همین علت است که فارابی، شغل رئیس مدینه فاضله را مانند اله دانسته و همان و میان نظام هستی با نظام اجتماعی شباهت برقرار کرده است (فارابی، ۱۹۹۱، صص ۵۴-۶۶).

بحث از حقوق طبیعی در موضع دیگر این رساله نیز دیده می‌شود. بیان مطلب به این صورت است که ابن سینا، حسن تدبیر را بر تمامی افرادی که مدیریتی بر دیگران دارند واجب و ضروری دانسته است. به این علت که جان و مال افراد دیگر به نظرات فرد مافوق بستگی دارد و فرد مافوق از آن جهت که حافظ جان و مال افراد دیگر می‌باشد، حسن تدبیر بر او لازم است (ابن سینا، ۱۹۲۹، صص ۵-۷). هرچه مدیریت فرد در مراتب بالاتری قرار داشته باشد و افراد بیشتری تحت تدبیر وی قرار بگیرند، ضرورت حسن تدبیر برای آن فرد بیشتر خواهد شد. از آن‌چه که بوعلی در این موضع بیان کرده است، بحث از حفاظت و صیانت از حقوق طبیعی دیگران به خوبی قابل برداشت است. همچنین، این اعتقاد بوعلی سینا با بحث از مقاصد شریعت نیز قرابت دارد. اندیشمندان فقه مقاصدی، حفاظت از جان و حفاظت از مال را در کنار حفاظت از عقل، حفاظت از دین و حفاظت از نسل از جمله مقاصد شریعت هستند (غزالی، بی‌تا، ص ۳۶؛ رازی، ۱۹۹۷، ج ۵، ص ۱۶۰؛ شاطبی، ۱۹۹۷، ج ۲، صص ۱۸-۱۹).

۴- حقوق زنان

انگاره‌ای که ابن سینا از زنان در رساله *سیاسات/الأهلیه* دارد چنین است که آن‌ها را در تمامی امور شریک و جانشین مرد می‌داند «أن المرأة الصالحة شريكة الرجل في ملكه، و قيمته في ماله و خليفته في رحله و امينته في تربيته اولاد» (ابن سینا، ۱۹۲۹، صص ۳۱-۳۲). بنابراین، وی در تمامی امور قائل به برابری حقوق زنان با مردان می‌باشد. از سوی دیگر، همانطور که پیش‌تر نیز بیان شد تمامی انسان‌ها در فطرت طبیعی با یکدیگر برابر هستند و به همین علت است که زنان فارغ از جنسیت و تفاوت زیستی، به لحاظ اخلاقی و حقوقی با مردان برابر هستند.

البته باید خاطر نشان کرد که از سخن ابن سینا در این راستا، چنین بر می‌آید که مرد رئیس خانواده است و تا وقتی که مرد در خانواده وجود دارد، ریاست خانواده با او می‌باشد. با این حال، نمی‌توان این عقیده ابن سینا را دلالت بر این دانست که وی مردان را از نظر حقوقی بالاتر می‌داند. برای حل این مسأله می‌توان از آراء مونتسکیو نیز بهره جست. از آراء ابن اندیشمند قائل به حقوق طبیعی می‌توان چنین دریافت که، مردان به دلیل برتری زیستی از جهت ریاست بر خانواده اولی هستند (در این رابطه بنگرید به شهابی، ۱۴۰۱، ص ۸۱). با این حال، زنان از نظر ریاست بر جامعه افراد شایسته هستند، چه آنکه انعطاف آنان در بسیاری از مسائل بیشتر از مردان است و این انعطاف برای جامعه بسیار نیاز است (شهابی، ۱۴۰۱، ص ۸۱).

ابن سینا برای مرد سه شرط وضع می‌کند که نسبت به همسر خود داشته باشند. ۱. هیبت شدید؛ ۲. احترام تمام؛ ۳. مشغول ساختن وی.

آن چیزی که از نگاه نخست به نخستین شرط بوعلی به ذهن می‌رسد شاید این گمان باشد که ابن سینا در این‌جا به نوعی تندخویی مردان نسبت به زنان قائل است و این با حقوق و کرامت زنان سازگار نیست. با تأمل بیشتر در این سه شرط می‌توان ادعا کرد که با نظر به نظام فکری سینی در تمامی آثارش، در خواهیم یافت که وی، متون خود را با عنایت تمام نوشته است. هرچند که وی به دلیل قوه حدس بالایی که داشته است (طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱)، بسیاری از استدلال‌ها را با حذف حد وسط نگاشته و همین منجر به افزایش سرعت وی در نگارش شده است. ولی با وجود این سرعت، وی نسبت به بیان مطالب و تناسب محتوا با متن خود عنایت کاملی داشته است و از چنین فیلسوفی بعید است که در یک موضع، منجر به تناقض‌گویی شود. به همین علت، نباید هیبت شدید را با احترام تمام در تناقض بدانیم. آن‌چه که مراد ابن سینا از هیبت شدید در این موضع می‌باشد، همان چیزی است که می‌توان آن را تکیه‌گاه بودن مرد برای زن دانست. شاهد ما از بیان این ادعا، عبارت خود ابن سینا در همین رساله می‌باشد. وی چنین اذعان دارد که زن در جایگاهی است که نفس مرد را به آرامش برساند (ابن سینا، ۱۹۲۹، م، ص ۱۱). آیات شریفه قرآن کریم نیز این مطلب را تأیید می‌کنند. در آیه شریفه ۲۱ سوره مبارکه روم، خدای تبارک و تعالی فرموده است «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم/ ۲۱). همچنین حق تعالی در آیه دیگری از سوره مبارکه اعراف چنین فرموده است و «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ» (اعراف/ ۱۸۹). از طرح مطلب ابن سینا از این مطلب و قرار دادن آراء ابن فیلسوف در این رساله در کنار هم به خوبی می‌توان نتیجه چنین نتیجه را برداشت کرد که همانطور که زن باعث آرامش مرد است، مرد نیز باید برای زن تکیه‌گاهی محکم باشد و او در صورتی می‌تواند تکیه‌گاه باشد که هیبت بالایی داشته باشد تا مایه حساب‌بردن همسرش از او شود. بنابراین، نه تنها که سخن ابن سینا دارای بار منفی نیست، بلکه وی به مطلبی بسیار عمیق نیز اشاره داشته است.

افزون بر این مطلب، بوعلی با بیان احترام تام به زن، بار دیگر به حقوق زنان اشاره داشته است و رعایت آن را برای شوهر واجب و ضروری دانسته است. شرط سوم ابن سینا نیز قابل تأمل است. ابن سینا به مشغول داشتن خاطر زن توسط مرد اشاره کرده است. آن‌چه که از این شرط به ذهن خطور می‌کند این است که زنان نیز باید از استعدادهای طبیعی خود در اداره خانواده و همچنین داشتن شغل و مهنت اقتصادی در جامعه و بالتبع اداره جامعه استفاده کنند. گزینه سخن ما مجدداً سخن خود ابن سینا در بیان صفات همسر نیکو است. وی توانایی افزایش مال همسر را از جمله صفات برای یک همسر دانسته است (ابن سینا، ۱۹۲۹، م، ص ۳۲). به همین علت، حتی برای مرد ضروری است که برای همسر خود شغلی در خور روحیه و طبع او پیدا کند.

مطلب دیگری نیز که می‌توان آن را دال بر حفظ کرامت و حقوق زنان در منظومه فکری ابن سینا دانست این است که ابن سینا به هیچ وجه زنان را ابزاری برای لذت مردان ندانسته است. وی به همین منظور اقتصاد را مقدم بر اختیار همسر و تشکیل همسر دانسته، و به صراحت اذعان کرده است که انسان در برطرف کردن نیازهای حیوانی خود مانند تهیه غذا با آن‌ها متفاوت است (ابن سینا، ۱۹۲۹، م، ص ۱۰). به این دلیل که حیوانات بر اساس غریزه خود، از قوای عامله خود یعنی قوه شهویه و غضبیه استفاده می‌کنند، حال آنکه انسان به دلیل وجود قوه عاقله، دارای روحیه کمال‌طلبی و سیری ناپذیری است و اگر قوه عامله انسان بر قوه عاقله، غالب شود، آنگاه قوه عامله از کمال‌طلبی و سیری ناپذیری عاقله استفاده خواهد کرد و آن را در راستای لذات حیوانی به کار می‌گیرد. در صورتی که سیری ناپذیری انسان باید در امور عالیه باشد. به عبارت دیگر، اگر قوای عامله، محکوم قوه عاقله باشند، انسان در مسیر تعالی قرار خواهد گرفت، ولی اگر این وضع عکس شود، انسان به سوی تباهی خواهد رفت و از حیوان نیز پست‌تر خواهد شد. زیرا که حیوان دارای عاقله نیست و به صورت غریزی و طبیعی از قوای حیوانی خود استفاده می‌کند، ولی انسان از آن جهت که دارای قوه ناطقه می‌باشد باید قوای خود را تحت تدبیر این قوه قرار دهد و اگر نتواند از عهده این کار بر بیاید، قوای عامله حاکم بر عاقله خواهند شد و این موجب تباهی انسان خواهد شد. به همین علت است که انسان برای رفع نیازهای حیوانی خود با سایر جانوران دارای تفاوت می‌باشد. ابن سینا اشاره می‌کند که انسان پس از آنکه به خوراک دست یافت، باید آن را ذخیره کند و نیاز به مسکنی دارد تا آن را ذخیره کند و همچنین نیاز به حافظی غیر از خود دارد تا از دست‌رنج و مسکن خود محافظت کند و به همین علت است که برای وی اختیار همسر یک امر ضروری محسوب می‌گردد (ابن سینا، ۱۹۲۹، م، صص ۱۰-۱۱). بنابراین، داشتن مسکن که یک مقوله اقتصادی است شرط اختیار همسر است و اختیار همسر برای آرامش نفس انسان و همچنین صیانت از مال و ملک فرد است (ابن سینا، ۱۹۲۹، ص ۱۱). از سوی دیگر، انسان از آن جهت که نیاز به جانشین و حافظ نام دارد، نیاز به تولید مثل دارد و این دلیل دیگر داشتن همسر است (ابن سینا، ۱۹۲۹، ص ۱۱). به عبارت دیگر، علاوه بر آرام نگاه داشتن نفس و صیانت از مال و ملک، دلیل دیگری که ابن سینا از اختیار همسر ذکر کرده، تولید مثل می‌باشد و اگر نیک بنگریم، تولید مثل با لذت صرف دارای تفاوت ماهوی می‌باشد. اگر در تولید مثل لذت هم وجود داشته باشد، این لذت به هیچ وجه چیزی نیست که آن را مقصود بالذات بدانیم، بلکه باید آن را مقصود بالعرض دانست. با تأمل در آراء ابن سینا در رساله عشق نیز می‌توان به این مطلب دست یافت. وی در آن رساله قائل است که حیوان به دلیل داشتن قوه شهویه و به صورت غریزی عمل آمیزش را انجام می‌دهد و از آن جهت که لذت از لوازم قوه شهویه است، حیوان به صورت غریزی به دنبال آن لذت می‌رود و در ضمن آن نیز نسل او حفظ می‌گردد (ابن سینا، ۲۰۰۴، م، صص ۷۱-۷۲). حال آنکه برای انسان، قوه‌ای بالاتر از قوای عامله موجود است و قوه عامله، معنای بقای نسل را درک می‌کند و آن را به عنوان مقصود اخذ می‌کند و در ضمن این مقصود اصلی، چیزی به نام لذت نیز مطرح

می‌گردد که البته آن غرض اصلی صاحب عقل نیست. در نتیجه آن‌چه که گفته شد، از نظر غایت اختیار همسر نیز، حقوق زنان مد نظر بوعلی می‌باشد.

۵- حقوق کودکان

ابن سینا در بحث از سیاست نسبت به فرزند چنین اذعان دارد که از جمله حقوق فرزند بر دوش پدر یا به عبارت دیگر والدین، انتساب نام نیک و انتخاب پرستار یا دایه نیکو است. با این ویژگی که از خرد و آگاهی لازم برخوردار بوده و بیمار نباشد. زیرا باور بر این بوده است که خلق و خوی فردی از طریق شیر به فرزندان منتقل می‌گردد. همچنین با گذر از سن شیرخوارگی، زمان تعلیم و تربیت فرا می‌رسد تا پیش از خو گرفتن به عادات‌های بد، صفات پسندیده در وجود کودک نهادینه شوند و از صفات ناپسند دور بماند که لازمه این امر، تهدید، ترغیب، یادآوری، انس با اخلاق نیک و گریز از ابتلا به صفات بد، در جای خود و به شیوه مناسب است. تا آنجا که اگر برای رسیدن به این مهم، به تنبیه بدنی احتیاج پیدا شد، از این امر خودداری نکرده و در مرحله اول با شدت کم اما دردناک، پس از ترساندن کودک، از این شیوه کمک بگیرد تا در اثر این اقدام و پس از درد، کودک از انجام عمل نادرست خودداری کند (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، صص ۳۵-۳۷).

بوعلی سینا به چند حق اساسی کودک اشاره کرده است که والدین باید آن را رعایت کنند. نخستین حق کودک این است که از نام، و در وهله بعد از نام نیک برخوردار باشد. قابل ذکر است که در کنوانسیون حقوق کودک نیز حق داشتن نام به عنوان یک حق اساسی برای کودک مطرح است (Convention on the Rights of the Child, 1989, Article 7). حق دیگر کودک که بر عهده والدین او می‌باشد این است که وی دارای پرستار و دایه‌ای نیکو باشد و همچنین والدین و پرستار کودک باید از بدو تولد به او اخلاق فضیله را آموزش دهند. به عبارت دیگر، حق برخورداری از پرستار نیک و حق برخورداری از آموزش اخلاق فضیله از حقوق دیگر کودک هستند که ابن سینا به آن‌ها اشاره کرده است. از سوی دیگر، ابن سینا به تنبیه کودک نیز اشاره، و روش آن را نیز ارائه کرده است. آن‌چه که در نگاه نخست به ذهن می‌رسد این است که این مطلب می‌تواند با آن‌چه که ابن سینا پیش از این درباره حقوق کودک بیان کرد در تناقض باشد. همانطور که پیشتر نیز بیان کردیم، ابن سینا اندیشمندی نیست که دو مطلب متناقض را در یک موضع بسیار نزدیک هم بیاورد و سخنانی که توسط وی نگاشته شده است، از روی عنایت خاصی بوده است. بنابراین باید در سخن او در این موضع تأمل کرد. با تأمل در ادعای ابن سینا مبنی بر تنبیه کودک می‌توان دریافت که اولاً این تنبیه نباید در حدی باشد که آسیبی به کودک وارد شود، ثانیاً این تنبیه منجر به این خواهد شد که کودک به سراغ صفات و افعال رذیله کشیده نشود. بنابراین، نگاه ابن سینا در این موضع به دلیل غایت و مقصود امر است و مقصود یک امر اخلاقی است.

در ادامه این بحث، ابن سینا قائل به حق آموزش برای کودکان است. وی اشاره کرده است که فرزند پس از آنکه از نظر بدنی توانایی پیدا کرد و قدرت سخن گفتن و فهم عبارات را پیدا کرد باید در نزد معلمی که متصف به صفات فضیله می‌باشد تحصیل کند (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، صص ۳۷-۳۸).

۶- حقوق کارکنان

شیخ‌الرئیس در رساله سیاسات الأهلیه، بحثی را با عنوان سیاست مرد نسبت به خدمتکارانش دارد (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، ص ۴۲). آنچه که عقیده ابن سینا در این باره می‌باشد این است که خدمتکار فرد به مثابه اعضای بدن او می‌باشد. عین عبارت ابن سینا در این باب چنین است:

أَنْ سَبِيلَ سِيَاسَةِ الْخِدْمِ وَالْقَوَامِ مِنَ الْإِنْسَانِ، سَبِيلُ الْجَوَارِحِ مِنَ الْجَسَدِ. وَ كَمَا أَنَّ قَوْمًا قَالُوا: حَاجِبُ الرَّجُلِ وَجْهَهُ وَ كَاتِبُهُ قَلَمُهُ وَ رَسُولُهُ لِسَانَهُ، كَذَلِكَ نَقُولُ أَنَّ حَفْدَةَ الرَّجُلِ يَدُهُ وَ رَجُلُهُ لَانِ مِنْ كِفَاكِ التَّعَاطَى بِيَدِكَ فَقَدْ قَامَ عِنْدَكَ مَقَامُهَا، وَ مِنْ كِفَاكِ السَّعْيِ بِرَجْلِكَ فَقَدْ نَابَ عَنكَ مَنَابِهَا، وَ مِنْ حِفْظِ لَكَ مَا تَحْفَظُهُ عَيْنُكَ فَقَدْ كَفَاكَ كِفَايَتُهَا (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، ص ۴۲).

افزون بر این مطلب، ابن سینا خدمتکار را مانند شریک مرد می‌داند و دلیل این شراکت نیز بدین سبب است که اگر کارفرما، خدمتکار و کارمند خود را مانند شریک نداند، آنگاه باعث خواهد شد که خدمتکار، کار خود را به نحو احسن انجام ندهد. به همین علت است که ابن سینا، تأکید دارد که فرد باید خدمه خود را مانند شریک خود در مال بداند (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، ص ۴۷). همچنین، وی قائل است که کارمندان از آن جهت که در فطرت، مانند کارفرما می‌باشند، بنابراین نباید بر آن‌ها سخت‌گیری شود که به نفس آن‌ها لطمه وارد شود (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، ص ۴۵). وی در این موضع نیز به بحث از حفاظت و صیانت از نفس تأکید دارد که با مقاصد شریعت دارای قرابت می‌باشد. از سوی دیگر، سخت‌گیری بیش از حد منجر به راندن خدمتکاران از خود می‌شود و این خلق و خو در نفس مرد نقش می‌بندد و با خدمتکاران دیگر نیز چنین برخوردی می‌کند و البته که این امر موجب تباهی کار و مال او خواهد شد. بنابراین، ابن سینا در این مقام علاوه بر اینکه قائل به حقوق خدمه کارفرما است، نسخه‌ای برای حفظ مال فرد نیز پیچیده است که از نظر اقتصادی قابل تأمل است. ابن سینا به هیچ وجه اخراج خدمه را توصیه نمی‌کند مگر در یک حال که آن نیز موجب حفظ حقوق کارمندان دیگر خواهد شد. بوعلی ادعا دارد که اگر خدمتکار، خیانتی را مرتکب شود که آن خیانت باعث آسیب به کارفرما شود، باید اخراج شود، زیرا این باعث خواهد شد کارکنان دیگر نیز از این فعل خو بگیرند. بنابراین، هنگامی که کارفرما او را اخراج کند مانند این است که افراد دیگر را از خوگرفتن با این فعل غیراخلاقی باز داشته است و این حفاظت از نفس آن‌ها می‌باشد. همچنین این امر باعث حفاظت از مال خود نیز می‌گردد.

بحث دیگری که در ذیل حقوق کارکنان در اندیشه ابن سینا یافت می‌گردد این است که وی قائل به احترام به تخصص کارمندان است. ابن سینا علاوه بر اینکه شرط اخلاق فضیله را برای استخدام خدمتکار عنوان کرده است، اهمیت و احترام به تخصص او را نیز به عنوان شرط مطرح کرده است. زیرا اگر فرد بر اساس تخصص خود کار انجام ندهد، موجب بی‌انگیزگی در کار خواهد شد و این هم موجب آزار نفس او، و همچنین باعث کاهش بهره‌وری در کار کارفرما خواهد شد (ابن سینا، ۱۹۲۹ م، صص ۴۴-۴۵). همچنین باید به این مهم اشاره کرد که کارفرما باید اخلاق نیک داشته باشد تا بتواند در قلب کارکنان خود نفوذ کند، به عبارت دیگر علاوه بر اینکه او باید از لحاظ مالی و کاری با کارمندان شریک باشد، باید بتواند از نظر اخلاقی نیز انس و الفتی برقرار کند. این مطلب نیز دال بر حفاظت و صیانت از نفس کارمندان خواهد بود.

۷- ملاحظه نهایی

همانطور که بیان شد، حقوق طبیعی مبنای اصلی نظام حقوقی وی می‌باشد. باید به عنوان ملاحظه نهایی به این مهم اشاره داشت که آن‌چه که به عنوان حقوق زنان، حقوق کودکان و حقوق کارکنان از نظام فکری بوعلی قابل استخراج است، همگی در پرتو حقوق طبیعی شکل گرفته است. به عبارتی دیگر، اکثر آن‌چه که در نظام فکری او دال بر حفظ حقوق زنان، کودکان و کارکنان به حساب می‌آید بر اساس حفاظت و صیانت از نفس می‌باشد و حفاظت از نفس خود یک حق طبیعی است. به همین علت، باید ادعا کرد که نظام حقوقی سینیوی بر محوریت حقوق طبیعی استوار است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که امکان دارد این پرسش به ذهن خطور کند که آیا مباحث ابن سینا درباره زنان، کودکان و همکاران جزء مباحث اخلاقی محسوب می‌شود و یا حقوقی؟ برای پاسخ به این پرسش احتمالی باید وجه تمایز میان اخلاق و حقوق را دانست. در ابتدا باید گفت که با اینکه میان حقوق و اخلاق تفاوت ماهوی وجود دارد، ولی باید ادعا کرد که این دو مفهوم باید در کنار یکدیگر باشند تا کامل باشند. به عبارت دیگر، اخلاق و حقوق مکمل یکدیگر هستند. چنانکه برخی از اندیشمندان نیز اعتقاد دارند که اخلاق باید در کنار حقوق باشد و حقوق رسوب تاریخی اخلاق است. از سوی دیگر، تفاوت حقوق با اخلاق در متفاوت بودن ضمانت اجرا است. به عبارت دیگر، هم اخلاق و هم حقوق دارای ضمانت اجرا هستند و از این حیث متشابه‌اند ولی ضمانت اجرا اخلاق امری درونی است، حال آنکه ضمانت اجرا در امر حقوقی بیرونی است و توسط مرجع بیرونی دیگر تعیین و تضمین می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، صص ۸۷-۸۸). به همین علت می‌توان چنین پاسخ داد که مباحث مطرح شده توسط ابن سینا در این باب علاوه بر اینکه حقوقی است، اخلاقی نیز به حساب می‌آید.

۸- نتیجه

بوعلی سینا با نگارش رساله *تدابیر المنازل* / *سیاسات الأهلیة* به مسائل پیرامون فن تدبیر منزل یا همان حکمت منزلیه پرداخته است. لفظ سیاست که در بسیاری از مواضع با حکمت یکسان‌انگاری شده است برای

بیان فن تدبیر منزل که یکی از شاخه‌های حکمت عملی محسوب می‌شود توسط ابن سینا استفاده شده است. این فیلسوف در طرح مباحث منزلی خود به ذکر مسائلی پرداخته است که پرسش جستار ما را تشکیل داده است. پرسش این جستار چنین بود که آیا در میان مباحث حکمت منزلیه بوعلی، مباحث حقوقی نیز قابل استخراج است؟ برای پاسخ به این پرسش، رساله *تدبیر المنازل* / *أو سیاسات الأهلیه* ابن سینا را بررسی کردیم و دریافتیم که بوعلی در ذیل برخی از مباحث خود به حقوق طبیعی اشاره کرده است که نه تنها مبنای سایر نظرات حقوقی او می‌باشد، بلکه نقش کلیدی را حکمت منزلیه او بازی می‌کند. آن چیزی که به عنوان حقوق طبیعی در نظام فکری بوعلی سینا مطرح است، همان چیزی است که وی آن را حسن تدبیر قرین دانسته است. در ابتدا، حسن تدبیر خداوند تبارک و تعالی باعث شکل‌گیری استعدادهای مختلف شده است و این استعدادهای مختلف عامل تمایز و تفاوت افراد و بالتبع تشکیل مراتب مختلف اجتماعی شده است و به همین سبب اختلاف در اموال و املاک به وجود آمده است که این یک قانون طبیعی محسوب می‌شود و چیزی به عنوان «مالکیت» جزء حقوق طبیعی انسان تلقی می‌شود. از سوی دیگر، این اختلاف مراتب منافاتی با مساوات انسان‌ها با یکدیگر از نظر حقوق و فطرت ندارد، زیرا انسان‌ها در مراتب با یکدیگر متفاوت می‌باشند و نه در فطرت انسانی به همین جهت است که مساوات و همچنین صیانت از نفس انسان‌ها توسط مدبر در مراتب مختلف از جمله حقوق طبیعی محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، در ذیل بحث از سیاست مرد نسبت به همسر مباحثی توسط بوعلی مطرح شده است که می‌توان از آن به عنوان حقوق زنان یاد کرد. تکیه‌گاه بودن مرد برای همسر، احترام کامل به همسر، و مشغول داشتن همسر به امری مهم از جمله حقوق اساسی زنان محسوب می‌شوند که توسط ابن سینا مطرح شده است. حقوق کودک نیز بحث دیگری می‌باشد که در رساله *سیاسات الأهلیه* یافت می‌شود. حق داشتن نام نیک، پرستار و دایه نیک، بهره‌گیری از آموزش اخلاقی و همچنین حق آموزش به عنوان حقوق کودک مطرح شده است. در نهایت، ابن سینا ذیل بحث از سیاست مرد نسبت به کارکنان، حقوقی را نسبت به آنان قائل شده است که می‌توان از آن بحث از حقوق کارکنان را از منظومه فکری او استنباط کرد. شریک دانستن آن‌ها در کار و مال، احترام به تخصص کارکنان، عدم سخت‌گیری شدید بر آن‌ها و احترام کارفرما بر کارکنان از جمله حقوقی است که ابن سینا برای کارکنان قائل شده است که همه این حقوق دلالت بر بحث از صیانت از نفس می‌کند که خود جزء حقوق طبیعی محسوب می‌شود. در نتیجه، اصولی که بیان آن‌ها گذشت، «نظریه حقوقی سینیوی» را تشکیل می‌دهند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (بی‌تا). *الهیات دانشنامه علائی*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.

۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۹۳۹ م). *تدابیر المنازل و السياسات الأهلیة*، تحشیه جعفر نقدی، بغداد: مجله الرشد.
۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۲۰۰۴ م). «رساله فی العشق»، جامع البدائع، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۹۸۵ م). *کتاب السیاسة*، چاپ سوم، قاهره: دارالعرب.
۶. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳). *المبدأ و المعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران - دانشگاه مک گیل.
۷. ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد. (بی تا). *تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق*، قاهره: مکتبه الثقافة الدینیة.
۸. بوذری نژاد، یحیی و ابوالفضل اقبالی. (۱۳۹۸). «مناقشات نظری ابن سینا و گیدنز پیرامون الگوی خانواده». *حکمت سینوی (مشکوه النور)*، ۲۳(۶۲)، ۷۳-۹۱. doi: 10.30497/ap.2019.74900
۹. پورجوادی، رضا. (۱۳۹۳) «تدبیر منزل»، *دانشنامه جهان اسلام*. برگرفته شده از تارنمای دانشنامه جهان اسلام.
۱۰. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۳). «چرا ابن سینا در حکمت عملی اثر مستقل تصنیف نکرده است؟»، *نامه فرهنگ*، شماره ۵۳.
۱۱. دکارت، رنه. (۱۳۸۵). *گفتار در روش درست راه بردن عقل*، ترجمه محمدعلی فروغی، مشهد: مهر دامون.
۱۲. رازی، فخرالدین (۱۹۹۷ م). *المحصول*. تحقیق طه جابر فیاض العلوانی. چاپ سوم. بیروت: مؤسسه الرسالة.
۱۳. سلطانی کوهانستانی، مریم (۱۳۹۴). «خانواده و عوامل تحکیم آن با تکیه بر آرای ابن سینا»، *حکمت سینوی (مشکوه النور)*، دوره ۱۹، شماره ۵۳، ۷۱-۸۹. <https://doi.org/10.30497/ap.2015.52032>
۱۴. شاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد (۱۹۹۷ م). *الموافقات*. محقق مشهور بن حسن آل سلمان. قاهره: دار ابن عفان.
۱۵. شهابی، مهدی. (۱۴۰۱). «حقوق طبیعی مونتسکیو؛ تأملی بر نسبت متافیزیک و واقعیت در اندیشه حقوق طبیعی»، *پژوهش‌های حقوق طبیعی*، دوره ۲۶، شماره ۱، ۷۵-۹۷.
۱۶. طوسی، نصیرالدین (۱۳۷۵). *شرح الإشارات و التنبيهات*، قم: نشرالبلاغه.
۱۷. غزالی، ابوحامد محمد (بی تا). *المستصفی من علم الأصول*. تصحیح ابراهیم محمد رمضان. بیروت: شرکه دار الأرقم بن أبی الأرقم.

۱۸. فارابی، ابونصر محمدبن محمد (بی‌تا). *فصول منتزعه*، برگرفته شده از

<https://alefbalib.com/index.aspx?pid=256&PdfID=311845>

۱۹. فارابی، ابونصر محمدبن محمد (۱۹۹۱م). *کتاب الملله و نصوص آخری*، تحقیق محسن مهدی، بیروت: دارالمشرق.

۲۰. فارابی، ابونصر محمدبن محمد (بی‌تا). *المنطقیات*، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

۲۱. قاری سید فاطمی، سید محمد و مجید نیکویی. (۱۳۹۴). «اندیشه ابن‌سینا: الهام‌بخش نظریه حقوق طبیعی آکوناس. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب»، دوره ۲، شماره ۲، ۴۹-۷۶.
doi: 10.22091/csiw.2015.754

۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). «اخلاق و حقوق»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۲، شماره ۱ و ۲، ۸۵-۸۸.

۲۳. کرمانی، طوبی و فاطمه سلگی (۱۳۹۲). «تحلیل حیات خانوادگی (منزلی) انسان در حکمت عملی با تأکید بر آرای ابن‌سینا»، فلسفه و کلام اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲، ۱۲۳-۱۴۲.
<https://doi.org/10.22059/jitp.2013.35750>

۲۴. نجمی زنجانی، محمد (۱۳۱۹). *ابن‌سینا و تدبیر منزل*، تهران: مجمع ناشر کتاب.

۲۵. نورانی‌نژاد، حمیده (۱۳۹۳). «فن تدبیر منزل به روایت ابن‌سینا»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی ابن‌سینا.

26. Convention on the Rights of the Child. (1989). Retrieved from <https://www.unicef.org/child-rights-convention/convention-text>

27. Locke, J., (1823). *Two Treatises of Government*, London: Printed for Thomas Tegg; W. Sharpe and Son; G. Offor; G. and J. Robinson; J. Evans and Co.: Also R. Griffin and Co. Glasgow; and J. Gumming, Dublin.

28. Najafi, M., & Kashfi, A. (2023). "Metaphysical Foundations of Natural Laws in Avicennian Philosophy". *Journal of Philosophical Theological Research*, 25(1), 53-73. doi: 10.22091/jptr.2023.9148.2856